



خودمون آزاد می‌کردیم؟ علی‌الظاهر این جادیلپلماسی باید مشکل روحل می‌کرد! حقیقت اینه که توی دنیا قدرت، زبون مشترکه دولت‌هاست. اگه یه‌کم راجع به امریکایی‌ها مطالعه کنید، می‌فهمید که حتی تو محاوره‌های روزمره شوونم انگار با هم دعوا دارند.

خلاصه دیپلماسی ما شکست خورد. حرف و گفت‌وگو به جایی نرسید. به جایی رسیدیم که نخست‌وزیر انگلیس ما رو مسخره می‌کرد.

یادم افتاد تیر ۹۸ بود که خبرش را خواندم. آن موقع خیرگزاری‌های دولتی خیلی رویش مانور می‌دادند. ظاهراً امریکایی‌ها مخالف آزاد کردن گریس یک بودند اما صحبت رسانه‌های دولتی این بوده که با تلاش حقوقدان‌ها و مذاکرات دولتمردان، گریس یک در حال آزادسازی است. حالا انگار روایت اصلی در پشت جنجال‌های رسانه‌ای گم شده بود.

۲۵- تیر آقا فرمودند عناصر مؤمن در انقلاب جواب این‌ها رو می‌دهند. ۲۸ تیر برادرهای شما تو همین تنگه هرمز، نفتکش استینا ایمپرو انگلیس رو با ناوشکن محافظش روی همون قایق‌هایی که سوار شدی، توقیف کردند.

سرهنگ سکوت کرد تا واقعیت خودش حرف بزند. فیلم عملیات پخش شد. جالب‌ترین قسمتش برابم، مکالمه بی‌سیم قایق سپاه با ناوشکن محافظ انگلیسی بود که با صدای محکمی می‌گفت در مأموریت ما دخالت نکنید، جان خودتان را به خطر بیندازید! ناوشکن انگلیسی صدایش در سکوت حل شده بود. بعضی از بچه‌ها که به خاطر خستگی و بی‌خوابی شب قبل، از حال رفته بودند، غرق جسارت تکاوران ایرانی شده بودند. فیلم تمام شد. چندثانیه‌ای، به احترام اقتدار ایران صدای دست‌ها بلند شد. حالا سرباز این اقتدار تشویق شده، این‌طور ادامه داد:

- روی سینه ما پاسدارهای آیه‌ای نوشته شده. معناش اینه که ما هستیم تا جنگی اتفاق نیفته. نه این‌که جنگ راه بندازیم. اگه بعد از دفاع مقدس تا امروز، هیچ دشمنی جرات نکرده نگاه چپ به این خاک بندازه، به این خاطره که حساب دیپلماسی ایران همیشه تو بانک‌های اقتدار دنیا پر بوده.

صدای هشدار گوشیم به صدا درآمد. اذان به وقت آب‌های خلیج فارس نزدیک بود.

- ما نفتکش انگلیسی رو زیر همین جزیره لارک گرفتیم. لحن آقاییون عوض شد. دست‌هایی که تا روز قبلش با انگشت اشاره خط و نشون می‌کشیدند، به حالت دعا و التماس جلوی کشور ما دراز شد. ۱۴ مرداد، گریس یک رو آزاد کردند. ولی ما نفتکش انگلیسی رو ۷۵ روز بعدش تو همین لنگرگاه عباسی نگه داشتیم تا همه بفهمن اگه با ایران بخوای با ادبیات قلدری حرف بزنی، آخرش باید با چشمای خیس برگردی خونه‌تون. اون موقع چندین بار پیام دادند که اگر همیشه این کشتی ما رو آزاد کنید، گفتیم هر موقع که صلاح بدونیم این کارو می‌کنیم.

کنجکاو شده بودم چرا کشتی ایرانی بعد از آزاد شدن نامش را به آدریان دریان تغییر داد، جست‌وجو کردم و راز ماجرا را پیدا کردم. کار هوشمندانه‌ای بود. آدریان ایرانی دیواری بود که جلوی دستان دراز شده استعمار پیر را سد کرده بود و روی آب‌های دنیا برای ناوگان دریایی روباه از نفس افتاده علامت خطر نشان می‌داد.

